

به دور دایره چرخیده بودم
و شاید هم کمی ترسیده بودم

*

پرستوی مهاجر را که دیدم
سرم تیر می کشید و می دویدم

*

تو در آن پرده ها پیدا نبودی
تو با من بودی و تنها نبودی

*

به دستم آب پاکی را نریزی!
چرا از این پرستو می گریزی؟

*

بهاران فصل پرواز پرستوست
به پرهایش گل زیبای شب بوست

*

پرستو هر کجا باشد غریب است
برای کوچ بعدی نا شکیب است

*

پرستو می رود تا باز گردد

پرستو با خودش همراز گردد

*

پرستو یک دل دیوانه دارد

میان عاشقان او لانه دارد

*

پرستو لانه اش را دوست دارد

دل دیوانه اش را دوست دارد

*

اگرچه یک شبی از لانه بگریخت

به سنگی که زدی پره‌های او ریخت

*

تو پاییزی نکن صحن و سرا را

بیا از من بگیر این غصه‌ها را

*

به گویش من مخوان آهنگ رفتن

پرستویت منم ، آری منم من

...

